



گفتگوی «عرفان قانعی فرد» با «نوام چامسکی» درباره سیاست های آمریکا، پس از فروپاشی اتحاد شوروی

میراثی که ریگان، بوش - پدر و پسر - برای او با ما گذاشتند

اگر صدام حسین لقمه بزرگ اشغال کویت را بر نداشتنه بود، آمریکا مقدمات اتمی شدن عراق را فراهم ساخته بود!

بیک نت: این اساسی ترین نکات طرح شده در گفتگوی مشروحی است عرفان قانعی فرد، در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۰۸ در دفتر کار چامسکی در دانشگاه ام ای تی شهر بوستون با وی انجام شده است. نوام چامسکی - متفکر و روشنفکر دگراندیش جهان و استاد زبانشناسی و سیاست معاصر در دانشگاه ام ای تی است و عرفان قانعی فرد نیز خود دکترای زبانشناسی و تاریخ معاصر.

چامسکی: ایالات متحده اولین بار در ۱۹۸۱م از مبارزه با تروریسم زد. دولت ریگان بعد از روی کار آمدن با به کار بردن عناوینی چون "طاعون دوران مدرن"، "بازگشت بربریت به عصر ما" و عبارات خوش آب و رنگی از این دست در مورد تروریسم، اعلام کرد مبارزه با تروریسم را اصلی ترین نقطه تمرکز خود قرار خواهد داد. و البته تاریخ نشان داد آنچه ریگان و کابینه اش آن را جنگ علیه تروریسم می نامیدند، در واقع به یک جنگ تروریستی تبدیل شد. آنها چند صد هزار نفر را در آمریکای مرکزی کشتند، از ترور در آفریقای جنوبی که چیزی در حدود نیم میلیون کشته برجای گذاشت و همینطور از تهاجم اسرائیل به لبنان حمایت کردند، - در واقع جنگ های تروریستی کلان در سراسر جهان به نوعی مورد حمایت آنها قرار گرفتند - در نتیجه کسی امروزه مایل نیست از آن دوران حرف بزند و آن را به یاد بیاورد. این نخستین دور مبارزه ایالات متحده با تروریسم بود و جرج بوش این طرح را دوباره در سال ۲۰۰۱ مطرح کرد.

چامسکی در این باره که آیا جمهوری اسلامی و آمریکا درکی عقلانی از یکدیگر دارند یا نه می گوید:

ایران پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، برای ایالات متحده یک کشور غیر قابل پذیرش، یک دشمن محسوب می شود، زیرا دستورات آمریکا را زیر پا گذاشت. ایالات متحده چنان که می دانید در ۱۹۵۳ رژیم قانونی این کشور (دولت مصدق) را سرنگون کرد و شاه را به کشور بازگرداند و تا زمانی که شاه بر سر قدرت بود ایران برای ایالات متحده مشکل محسوب نمی شد. حتی دانشگاه MIT بنا به درخواست هنری کیسینجر، دیک چینی، پل ولفوتیزر و دونالد رامسفلد مهندسان اتمی ایران را آموزش می داد. این به این معنی است که آنها می خواستند ایران انرژی اتمی و حتی سلاح اتمی داشته باشد. این تعلیم به نوعی هدیه ای بود از طرف MIT به شاه و باجی در برابر مبالغ قابل توجهی که شاه به آنها می پرداخت. و حالا همین متخصصان هسته ای هستند که برنامه های هسته ای ایران را اداره می کنند.

در آن زمان ایران یک سیستم دیکتاتوری خشن داشت که از فرامین ایالات متحده اطاعت می کرد. این حمایت بخشی از سیستمی است که سیستم ترجیحی نامیده می شود. قطعاً مهمترین مسئله برای ایالات منابع انرژی منطقه است و سیستمی که می تواند برای دست یافتن به این هدف راهگشا باشد نیز همان سیستمی است که در زمان شاه برقرار بود. به همین دلیل آنها از دیکتاتورهای حاکم مثل عربستان سعودی در منطقه حمایت می کنند. یعنی دفاع از رهبران مستبد در مقابل مردم کشورشان. این آن چیزی است که دولت نیکسون به آن نام پلیس و یا "ژاندارم منطقه" را داد. ترجیح

درباره رابطه آمریکا با صدام حسین نیز چامسکی می گوید:

ایالات متحده در ۱۹۸۲ یکی از مهم ترین حامیان صدام حسین بود. آنها از حمله عراق به ایران حمایت کردند. در سال ۱۹۸۲ ریگان نام عراق را از لیست کشورهای حامی تروریست خارج کرد. البته نباید فراموش کرد که این لیست چیزی نیست جز لیست کشورهای مخالف ایالات متحده و در واقع ربطی به تروریسم ندارد. هدف از این کار این بود که ایالات متحده بتواند با خارج شدن عراق از این لیست، تجهیزات نظامی به این کشور برساند. در نتیجه چه به لحاظ فرهنگی و چه ابعاد دیگر موضوع خروج عراق از این لیست لازم بود. ایالات متحده فاجعه انفال را نادیده گرفت، قتل عام حلبچه را به گردن ایران انداخت و مانع از یافتن راه حل دیپلماتیک برای جنگ شد. این حمایت پس از جنگ با ایران نیز ادامه یافت. در ۱۹۸۹ جرج بوش پدر، مهندسان اتمی عراقی را به ایالات متحده دعوت کرد تا در زمینه تولید سلاح های اتمی تحت آموزش های پیشرفته قرار بگیرند. در آوریل سال ۱۹۹۰ بوش یک هیات بلند پایه پارلمانی به عراق فرستاد تا پیام حسن نیت و دوستی او را به دوستش صدام برساند.

رئیس این هیئت "باب دل" رهبر گروه اکثریت پارلمان بود که بعدها در ۱۹۹۶ کاندیدای جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری شد. آن سیمپسون که بعدها به مدیریت مدرسه کندی برگزیده شد و سایر مقدمات بلند پایه پارلمانی نیز در این گروه بودند. رونوشت های گزارش این ملاقات وجود دارد. این گروه درود و احترام بوش را به صدام تقدیم کرد و به او گفت که نباید به انتقادات رسانه های آمریکایی که در آن زمان از کنترل خارج شده بودند اعتنا کند. آنها به او قول دادند که مقاماتی که در صدای آمریکا مجموعه برنامه های مستند و تفسیری انتقادی درباره عراق تولید می کنند را برکنار خواهند کرد. کل این فرآیند کاملاً دوستانه در تاریخ آوریل ۱۹۹۰ اتفاق افتاد. اما ناگهان در اگوست ۱۹۹۰ صدام کاری انجام داد که خوشایند آنها نبود. او از دستورات سرپیچی کرد یا شاید در فهم دستورات دچار سوء تفاهم شد. حمله عراق به کویت برای ایالات متحده غیرمنتظره و باور نکردنی بود. تا آجا که ما می دانیم آنها انتظار چنین حمله ای را نداشتند، هرچند ممکن است مدارکی وجود داشته باشد که ما از آنها بی خبر باشیم. در واقع آنها حتی روابط نزدیک خود با صدام را حتی بعد از حمله به کویت نیز ادامه دادند. بریتانیا چنان در متوقف کردن همکاری ها کند بود که حتی پس از حمله به تجهیزات نظامی عراقی به این رابطه ادامه می داد. این به این معنی است که آنها نمی توانستند با سرعت عمل لازم این روابط را متوقف

کنند. می دانید که سفرای آمریکا تنها از روی دستورالعمل از پیش نوشته شده صحبت می کنند، تنها دستورات دولت را منتقل می کنند. اگر گزارش این ملاقات را بخوانید می بینید که سفیر به صدام گفت که اگر بخواهد مرزش با کویت را اصلاح کند، ایالات متحده مخالفتی نخواهد کرد، چون در آن زمان در منطقه مرزی عراق - کویت بر سر منطقه نفتی "مالا" درگیری وجود داشت. البته اگر با اشاره ای رهبران عرب را وادار کند که قیمت نفت را بالا ببرند، آمریکا اهمیت چندانی به اصلاح مرزی نخواهد داد. صدام احتمالاً دچار سوء تفاهم شد (و لقمه بزرگ را برداشت). او در هر حال دیکتاتوری بود که با کسی مشورت نمی کرد. در نتیجه تصور کرد این به معنای چراغ سبزی برای حمله به کویت است و سپس به کویت هجوم برد و این موضوع برای ایالات متحده نگران کننده بود. ایالات متحده نگران این بود که عراق از خاک کویت خارج شود و حکومت را هم بدهد به دست مردم کویت. این نگرانی بود که کالین پاول در آن زمان بیان کرد. آنها نگران این بودند که صدام درست همان کاری را انجام بدهد که ایالات متحده چند ماه پیش از آن در "پاناما" انجام داد. آنها به پاناما حمله کردند چون حاکم آن را نمی پسندیدند و سپس از منطقه خارج شدند و حکومتی را که از دست حاکم پاناما درآورده بودند دادند به دست مردم این کشور که شکر گزار آمریکا بدلیل آزاد کردن آنها از چنگال حاکم پاناما بودند. آنها متوجه شدند که ممکن است صدام این کار را در کویت انجام بدهد.

Shahrzad Dance Academy

آکادمی رقص شهرزاد



تدریس رقص کلاسیک ایرانی برای سنین مختلف در East Bay

اجرای رقص در سراسر بی اریا بوسیله گروه شهرزاد

فوق لیسانس در رقص و هنرهای زیبا

(510) 672-0647

info@dancepersian.org
www.dancepersian.org

5221 Central Ave., #1
Richmond, CA 94804

به نام خدا

مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا

Islamic Cultural Center of Northern California

سازمانی مستقل و غیر انتفاعی و بدون هیچگونه وابستگی سیاسی و تنها با اتکاء به خداوند و کمک های بیدریغ مسلمانان منطقه.

- ❖ برگزاری مراسم مذهبی و فرهنگی
- ❖ مراسم عقد و طلاق شرعی، مورد تأیید مراکز دولتی
- ❖ مراسم شست و شو و به خاکسپاری اسلامی، فروش قبر
- ❖ تدریس زبان فارسی به کودکان، نوجوانان و بزرگسالان در روزهای شنبه
- ❖ فروش کتاب های فرهنگی و مذهبی به زبان های فارسی و انگلیسی

تأیید امضاء

(510) 832-7600
www.iccnc.org
1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

دفتر خدمات اجتماعی یاری

به سرپرستی پوران مهدی زاده

- ❖ تابعیت ❖ تعویض نام ❖ ویزای نامزدی ❖ سوشیال سکیوریتی ❖ تقاضای گرین کارت ❖ گرفتن بیمه های مدیکل و مدیکر ❖ گرفتن حقوق و مزایا برای اشخاص ۶۵ سال به بالا و غیره

در صورت احتیاج ما می توانیم به خانه و یا محل کار شما بیاییم

(510) 558-6886

Fax: (510) 558-6996 ❖ forpouran@yahoo.com
P.O. Box 6191, Albany, CA 94706